

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع : بنیاد فرانتس فانون- Source : Fondation Frantz Fanon

برگردان از : حمید محوی

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۴

می گویند بربریت...



می گویند : بربریت

«صحنه ای که رسانه های غربی از قتل دو روزنامه نگار امریکائی و یک گردشگر فرانسوی در مقابل دیدگان عمومی غربی ها به نمایش گذاشتند، نمایشی بود از اعمال خردگریز در عمق اضمحلال انسانی و بهیمیت. به گفته رهبران و رسانه های غربی، گوئی این جنایات شقاوت آمیز جزء جدائی ناپذیر عرصه های قومی- مذهبی و اسلام بوده که به شکل بنیادی خطرناک است. اعمال جنایت آمیزی که قابل درک نیست و به شکل ساختاری در تضاد با غرب قرار داشته و بر اساس تعریف و بر اساس همین چشم اندازی که رسانه های غربی به نمایش گذاشته اند، نتیجه می گیرند که جوهر و ارزش های انسانی تنها در غرب تبلور یافته و قاطعانه از باقیمانده جهان برتر است.» (سایت انوسینگ آکسیون. میشل کولن)

می گویند : بربریت

«این مقاله خیلی عالی است، زیرا به گونه ای به این رویدادهای تهییج کننده اخیر نگاه می کند که برای درک رویت و نیت انسانی آن باید با فاصله و تأمل بیشتری به تصاویر و نوشته ها نگاه کنیم. من این نگاه را می پذیرم. پس خودمان را مجبور کنیم که با فاصله نگاه کنیم و به هیجانی که کلمات در ما برمی انگیزند مظنون شویم، در غیر این صورت این ما هستیم که بشریتمان را از دست خواهیم داد.»

این مقاله به روشنی نشان می دهد که چگونه مردم غرب آلت دست شده اند، رسانه ها با ایجاد اختلال در اذهان عمومی، حس انتقام گیری از سه میلیارد از ساکنان جهان را در آنها تحریک کرده است. به همان گونه که ناآگاهانه و یا به دلایل ناگفتی، هیجانات حسی کاملاً قابل توجیهی را به سوی دشمنی موهومی متوجه می سازیم. گوئی این دشمن موهومی که ساخته و پرداخته رسانه های جانبدار است، همان دشمن مطلق و همان دشمنی است که مسؤول تمام دردها و رنجهای ما می باشد.

در این صورت، دشمن، واژه ای خواهد بود که می توانیم به هر فردی، به هر دولتی نسبت دهیم، و به نام همین دشمن موهومی و به نام تمام دردها و رنج هایمان تمام قوانین را زیر پا بگذاریم، تمام موانع و موازین دموکراسی را در هم بشکنیم و پرچم تمام خشم هایمان را مثل صلیبی های تجدید چاپ شده و هذیان زده جلوی صفحه تلویزیون به اهتزاز درآوریم.

آنچه در تاریخ به فراموشی سپرده شده، تکبر غربی هائی است که با کاشتن باد طوفان درو خواهند کرد، بادی را که در بادبان تنفر از روی قلب و روح ما در غرب عبور می دهند، به شکل نا محسوسی تا نسل های بعدی ما را تعقیب خواهد کرد.

با هم زندگی کردن، این رؤیای بشر دوستانه، بی گمان تا مدت های مدید، چیزی به جز یک اتوپی وصله پینه خورده چیز بیشتری نخواهد بود.

ما انسان های برتری هستیم، و این چیزی است که رسانه های ما هر روز در گوش ما (غربی ها) تکرار می کنند. آنهایی که بر حسب اتفاق در جای بدی به دنیا آمده اند شایسته بازشناسی و احترام و هم دردی ما نیستند. ما شوالیه های سفید هستیم. سفید؟ نچندان سفید، نه تا این اندازه... چون که ما خاصه شوالیه های حافظه خیلی خیلی کوتاهی هستیم.»

(گالادریل Galadriel. شبکه بین المللی Réseau International)

می گویند بربریت...



فلم برداری از صحنه بریدن سر گروگانهای غربی در عراق و گردشگر فرانسوی در الجزائر به شکل کاملاً موجهی موجب احساس هراس و بیزاری بوده و قاطعانه محکوم است. این کشتارهای جنون آمیز تنها می تواند حاصل اعمال جنایتکاران بیمار از دیدگاه روانی و منحرف عصبی باشد که به خدمت ایدئولوژی انحرافی درآمده اند. این صحنه پردازی های مرگبار پس از تصاویر دیگری که به همین اندازه تحمل ناپذیر و بهت آور است، یعنی صحنه کشتار گروهی از مردان بی سلاح، به نمایش عمومی درآمده است.

با این وجود، هیجان حسی حاصل از این نمایش شقاوت قویاً تحت تأثیر بازی تحریف آمیز رسانه ها و سیاست غرب جهان است. تکرار بی وقفه صفت «بربریت» که «بربرها» به آن ارتکاب ورزیده اند، حاکی از خواست نویسندگان رسانه ها برای بازنمایی و برجسته سازی وجهه بهیمی (و غیر انسانی) این جنایات است. می خواهند بگویند که خارج از مرزهای تمدن (غرب)، حقوق عمومی و عادی وجود ندارد. هدف تبلیغات سفید در هماهنگی با سنتی قدیمی آن است تا افکار عمومی را متقاعد سازند که خارج از منطقه جغرافیائی غرب — نزد غیر — چیزی به جز بربریت وجود ندارد و با نمایش جنایات و اعمال صبعانه ای که در واقع از همین سیاست سفید منشأ می گیرد، فراسوی جنایات توده ای به هم پیچیده و منسجم و غیر قابل تفکیکی را نشان می دهند تا بهتر بتوانند بر آن مسلط شوند و یا طرح کشتارهای جمعی را در سرزمین های «دیگران» در اذهان عمومی غرب به امری اجتناب ناپذیر برای نجات بشریت و تمدن و دموکراسی جلوه دهند و به آن مقبولیت عام ببخشند. یا همان گونه که در مورد عراق و سوریه دیدیم، با همین روش و دیدگاه دولت ها را به تخریب محکوم کردند.

بازنمایی این جنایات مرگبار وقتی از جهان عینی برکنده می شود و از پالایشگاه رسانه های سفید با ساخت و سازهای تبلیغاتی جانبدارانه برای جانبداری از منافع امپریالیست ها به عنوان اعمال خردگریز و بهیمی و غیر انسانی به نمایش گذاشته می شود، فرائز از آن، ضخامت بربریت در شامات و اعمال جنایت کارانه را به جزء جدائی ناپذیر قومی-مذهبی، جوامع اسلامی تعبیر می کنند، که با وجود درجات مختلف آن در بازی زبانی، به شکل بنیادی خطرناک ارزیابی می شود و می گویند که این اعمال جنایت آمیز قابل درک نیست و به شکل ساختاری در تضاد با غرب بوده و بر اساس تعریف و بر اساس همین چشم اندازی که رسانه های غربی به نمایش گذاشته اند، نتیجه می گیرند که جوهر و ارزش های انسانی تنها در غرب تبلور یافته و قاطعانه از باقی جهان برتر است. به شکل بی شرمانه ای، در فقدان تفکیک، ولی افسوس با مقبولیت عام، مسلمانان اینجا و آنجا را به تباری «فرهنگی» با جنایتکاران مظنون بازشناسی کرده، و پولیس افکار عمومی آنها را مجبور می سازد که رسماً از همبستگی با جهان «بربریت» قطع نظر کنند. و از آنها خواسته می شود که جنگ نوین غرب در خاورمیانه و بمباران هائی را که تمدن به عنوان گزینش «تنبیهی» یا «انتقام جویانه» به اجراء می گذارد، مورد تأیید قرار دهند.



این دلیل و برهان های تبلیغاتی که به اصالت وجود باور دارد، هدفش ابلیس نمائی کل جوامعی است که به منطقه جغرافیای غرب تعلق ندارند (و اتفاقاً روی بیش از ۶۰ درصد ذخیره سوخت فسیلی قرار گرفته اند)، و چنین دلیلی و برهانی است که از دیدگاه ما شرم آور و کاملاً مردود است. این تبلیغات در تهمت زنی و گناهکار جلوه دادن این جوامع به یک دلیل دیگر نیز مردود است، زیرا همین روزنامه نگارانی که در عین حال با جلوس بر کرسی قضایی عمل می کنند، در جای بسیار مناسبی قرار گرفته اند، در صورتی که به عنوان کارشناس، حرفه خودشان را به خوبی انجام

دهند، می توانستند وحشی گری های دائمی و جنایات بسیار عظیم و خونبار بی بدیل همانهایی که سلاح هایشان را از ده ها سال پیش علیه مردم عرب و مسلمان نشانه گرفته اند، افشاء کنند.

این روزنامه نگارانی که دائماً کلمه بربریت را تکرار می کنند، درباره صدها هزار مرگ و میر بین شهروندان عراقی، درباره استفاده از بمب فسفوری سفید و مهمات اورانیوم ضعیف شده علیه مردم عراق چه نوشته اند ؟ کدام یک از این الگوهای تمدن درباره صدها کودک هیولائی که در فلوجه و دیگر شهرها که در اثر کاربرد جنگ افزارهای ممنوعه به دنیا آمده اند، چیزی نوشته است ؟

وقتی که خانم خیلی متمدن **مادلن اولبرایت**، وزیر قدیمی امور خارجه دولت امریکا، مرک پانصد هزار کودک عراقی را توجیه کرد و آن را برای دموکراسی ضروری دانست، آیا صدای اعتراضی از این رسانه ها و روزنامه نگارانیشان چیزی شنیدیم ؟



اما هیچ نیازی نیست که به دوران جنگ های استعماری به نام « عصر روشنائی » به نسل پیشین بازگردیم تا توحش معاصر را درک کنیم که به همین شکل بد قواره جامه ارزش های دموکراسی و حقوق بشر را می پوشید. **بارک اوباما** از تاریخ دریافت مدال طلایی نوبل صلحش، تاکنون فرمان هفت جنگ را صادر کرده است. در این مورد چه نتیجه ای می توانیم بگیریم جز این که چنین امتیازات طلایی را خالی از هر گونه مفهوم اخلاقی بدانیم. کدام یک از این روزنامه نگاران به اصطلاح معتبر از مرگ ده ها هزار انسان بی گناه زیر انفجار هیل فایرهای پهبادهای در ضربات هوائی ناتو چیزی نوشته است ؟ آیا مرگ زیر راکت های هدایت شونده و زیر بمب های « هوشمند »، پانصد کودک در غزه « بربریت » نیست ؟ ولی به جای بازشناسی واقعیت، بمباران مدارس را که به مدیریت سازمان ملل متحد اداره می شد، به عنوان خسارات جانبی (به زبان دیپلماتیک و مؤدبانه) در حملات دقیق و جراحی شده تلقی کردند.

حقیقت این است که بی آن که تصاویر را زیر خرواری راز و رمز با تبنانی سکوت روزنامه نگاران اطلاعاتی دفن کنند، مرگ ده ها هزار نفر در جنگ های غیر قانونی را نیز نمی توانند به فراموشی تاریخ بسپارند. آمارهای ناب و ساده، جسد های قطعه قطعه شده انسان های بیچاره و بی سلاحی را به آرشیو فراموشی می سپارد که گویی هیچ احساسی را برنمی انگیزد.

در نتیجه هیچ نیازی نیست که به پژوهش گسترده و عمیقی برای کشف واقعیت «بربریت» بپردازیم و پی ببریم که با آنچه این رسانه ها با نیم تنه های نظامی سعی می کنند به ما بیاوراند از زمین تا آسمان فاصله دارد. در اینجا نمی خواهیم به مناسبات سیاسی اسلامگرایی متعصبی بپردازیم که از یک سو ساخته و پرداخته رژیم های سلطنتی خلیج (فارس) است و از سوی دیگر غرب سلاح های آن را تأمین می کند. همه راکت های میلان فرانسوی، جنگ افزارهای انگلیسی و امریکائی را به یاد دارند که به «مجاهدین» افغان تحویل می داند که تا دیروز مبارزان آزادی نامیده می شدند freedom-fighters و امروز آنها را طالبانی های افراط گرا می نامند ؟



نوشته روی عکس (مربوط است به جنگ های استعماری فرانسه در مراکش) : یادگار آگورا (منطقه ای در مراکش)
- تیراندازان ما خشمگین برای انتقام مرده ها را قطع عضو کردند

صحنه پردازی کشتار وحشیانه در شرایط اسفناک توسط پسیکوپاتهای بی قانون هرگز نمی تواند به بهانه ای برای تحریف افکار عمومی به قصد تحریک خشونت گردد. گفتمان درباره بربریتی که دائماً در تبلیغات تکرار می شود، به هدف تعیین دشمن داخلی دروغین است و می خواهد مسلمانان ساکن اروپا را که با ماجراجویی جنگی در خاورمیانه مخالف هستند را به سکوت وادارد و از صحنه رسانه ها حذف کند و بر این اساس کشتارهایی را که هم پیمانان غرب مرتکب شده اند را در اذهان عمومی به فراموشی بسپارد. و علاوه بر این اقلیت هایی را که در معرض دید هستند — ظاهراً مسلمان — را به عنوان طعمه به افکار عمومی تسلیم کنند. متأسفانه افکار عمومی نیز تحت تأثیر بمباران تبلیغاتی طی سال های متمادی کاملاً برای چنین واکنش هایی نسبت به اقلیت ها کاملاً آمادگی لازم را به دست آورده اند. با این وجود چنین حرکاتی پیرامون به اصطلاح بربریت مسلمان قادر نیست روی حقیقت خونبار غرب استعمارگر دیروز و امپریالیست امروز پرده استتار بکشد که بی وقفه از قرن نوزدهم جنگ های مطلقاً متمدن و قویاً خونبار را در جهان عرب و مسلمان به راه انداخته است. جنایتکاران دولت اسلامی (داعش) در مدرسه خوبی درس آموخته اند. در ساخت و ساز به کار برده شده در آماده سازی روانی، بربریت روی دوم سکه جنگ نهائی است. در نتیجه، جنگ های ابدی علیه تروریسم، که از ده ها سال پیش آغاز شده، نه تنها خیلی از جلوگیری پدیده تروریسم به دور بوده بلکه آن را عمومی و پیچیده تر نیز ساخته است.

Source : Fondation Frantz Fanon

واکنش annibal GENSERIC3 اکتوبر ۲۰۱۴

با پذیرش « افکار بزرگ » دوران، ارتش فرانسه بر حسب عادت سر عرب های «وحشی» یا سپاهان را می برید یا در آتش می سوزاند و نوزادان را به عنوان خوراک به سگ ها می داد (کاری که فاتحان اسپانیائی نیز انجام می دادند)، به زنان و دختران تجاوز می کردند. خلاصه مثل همین داعشی ها عمل می کردند.

Source : Fondation Frantz Fanon
منبع : بنیاد فرانتس فانون-

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۴

<http://frantzfanonfoundation-fondationfrantzfanon.com/article2250.html>

اکتبر ۲۰۱۴ Réseau International منتشر شده در شبکه بین المللی

<http://reseauinternational.net/temps-barbares/>

در انوستیگ آکسیون – میشل کولن ۱ اکتبر ۲۰۱۴

<http://www.michelcollon.info/Barbarie-disent-ils.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۴